



## اصفهان دوره سلجوقی

● مجتبی خلیفه

این شهر در آن دوره است، در صورتی که اصفهان بزرگ‌ترین شهر غرب ایران در دوره سلجوقی محسوب می‌شده است.

دوران - گدی عصر سلجوقی را به دوره قدرت (از طغرل تا ملکشاه) و انحطاط (از مرگ ملکشاه تا استیلای مغول) تقسیم می‌کند. عمده‌ترین منابع او در تدوین رساله، کتب دست اول دوره سلجوقی و منشآت آن دوره است. یکی از مهم‌ترین این منابع، کتاب المختارات من الرسائل است که نامه‌های آن عمدتاً توسط نخبگان اصفهانی نگارش یافته است.

با تکیه بر متون تاریخی، اصفهان در حدود نیم قرن پایتخت بلامنازع سلجوقیان و محل استقرار دستگاه دیوانی سلاجقه بود. میدان اصفهان نیز با وسعت زیاد و بناهای متعدد اطراف آن (مانند قصر، نظامیه و نظایر آن)، نهاد قدرت ترکمانان سلجوقی محسوب می‌شد. قدرت‌گیری سلجوقیان در اصفهان، شکل‌گیری قشر جدید نخبگان را در پی داشت. مهم‌ترین دلایل برای درک نقش نخبگان اصفهان در دوره سلجوقی موارد زیر بود:

۱. موقعیت جغرافیایی (دوری اصفهان از مراکز ترکمن نشین)
۲. دلیل نظامی (حصار محکم و پیاده نظام قوی شهر)
۳. دلیل سیاسی (اعطای آزادی و اختیار عمل به نخبگان برای اداره کشور)

ارتباط اصلی اصفهان با عراق عرب بود نه خراسان، زیرا بغداد نزدیک‌تر از نیشابور بود. دولت سلجوقی تأثیر فراوانی بر مردم اصفهان گذاشت و البته این تأثیر به نفع خراسانی‌ها بود. بلافاصله پس از قدرت‌یابی سلجوقیان، طغرل قضاوت اصفهان را به فردی خراسانی حنفی داد. با قدرت‌یابی **خواجه نظام‌الملک**، قدرت خراسانی‌ها در اصفهان افزایش یافت و با تأسیس نهادهایی چون مدرسه نظامیه، تسلط نظام‌الملک و خراسانی‌ها بر شهر اصفهان

روز یکشنبه هجدهم بهمن ماه ۱۳۸۳، دکتر داوید دوران - گدی (David Durand-Guedy) در «انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران»<sup>۱</sup>، مقاله‌ای با عنوان «نخبگان ایرانی تحت سلطه ترکان: اصفهان در دوره سلجوقی» به زبان فارسی ارائه نمود.

دوران - گدی به تازگی از رساله دکترای خود با عنوان تاریخ اجتماعی اصفهان در دوره سلجوقی دفاع کرده است. این رساله حاصل بیش از پنج سال مطالعه او بر روی موضوع بوده است که بیشتر این مدت را در ایران با استفاده از یک بورس چهارساله از سوی انجمن ایران‌شناسی فرانسه به انجام رسانده است. دوران - گدی علاوه بر زبان فرانسه، به زبان‌های انگلیسی، آلمانی، عربی و فارسی نیز تسلط کامل دارد.

وی در سخنرانی خود در انجمن ایران‌شناسی فرانسه، پس از طرح موضوع و خلاصه‌ای از مطالب رساله خود، به یافته‌هایش در طول دوران تحقیق و تدوین پایان‌نامه اشاره کرد که در زیر خلاصه‌ای از آن ارائه می‌گردد:

از سی سال پیش تاکنون، شناخت نخبگان یکی از شاخه‌های اساسی شرق‌شناسی محسوب می‌شود. به ویژه نخبگان شهری هنگام تسلط ترکان بر جهان اسلام، یکی از موضوعات اصلی مورد توجه شرق‌شناسان چند دهه اخیر چون ریچارد بولیت (Richard W. Bulliet) و یورگن پُل (Jürgen Paul) و لاپیدوس بوده است.

بیشتر تحقیقات صورت گرفته توسط شرق‌شناسان درباره شهرهای شرق ایران، به ویژه خراسان بوده است. بنابراین توجه دکتر دوران - گدی به اصفهان دوره سلجوقی، به دلیل عدم توجه به



ترکان سلجوقی همراه شدند. در نهایت این سازش نخبگان با ترکان و استفاده ابزاری نخبگان از آن‌ها، یک اثر ناگوار به همراه داشت. زیرا زمانی که نخبگان شهر این سیاست را در مقابله با هجوم مغول در پیش گرفتند و با مغول‌ها سازش کردند، نتیجه‌ای معکوس در پی داشت و به زیان آن‌ها تمام شد.

ریچارد بولیت و یورگن پل هم در باره مهاجرت نخبگان به دلیل اوضاع آشفتته قرون میانه ایران به سرزمین‌های دیگر جهان اسلام، تحقیقات زیادی انجام داده‌اند.

فوق العاده افزایش یافت خواه‌جہ ریاست نظامیہ اصفهان را نیز به یک خراسانی به نام خجندی<sup>۲</sup> واگذار کرد.

به عقیده جرج مقدیسی (George Makdisi)، نقش مدارس نظامیہ تربیت افراد برای مبارزه با شیعه نبود، بلکه تربیت نیروهای نخبه و کارآمد (غیر اصفهانی، خراسانی) برای اداره اصفهان و جامعه شهری بود. در واقع تربیت نخبگان شهری جدید که به زودی وارد نظام دیوانسالاری می‌شدند.

پدیده ایجاد جامعه جدید نخبگان در اصفهان عصر سلجوقی منحصر به فرد است، چون دولت سلجوقی در اصفهان از قدرت زیادی برخوردار بود و با هیچ قدرت مخالفی (نخبگان محلی) مواجه نشد، بنابراین به راحتی موفق به ایجاد جامعه جدید نخبگان شدند؛ در حالی که در بغداد موفق نبودند و به اجبار با نخبگان حنبلی آن شهر مصالحه کردند و کنار آمدند. به عقیده دوران - گدی، قشر جدید نخبگان شهری اصفهان که در عصر سلجوقی به وجود آمدند، نسبت به نخبگان شهرهای عربی، از قدرت و ثروت بیشتری برخوردار بودند.

پی نوشت‌ها:

۱. INSTITUT FRANCAIS DERECHERCHE EN IRAN، که مخفف آن (ifri) است.

۲. نقش خانواده خجندی در وقایع قرن پنجم و ششم هجری اصفهان بسیار مهم است. خانواده خجندی ابتدا توسط خواجه نظام الملک از خراسان به اصفهان آمدند و ریاست شهر را تحت کنترل درآوردند. هرچه بر قدرت خجندی‌ها در اصفهان افزوده می‌شد، به همان میزان از وابستگی آن‌ها به سلطنت کاسته شد. مهم‌ترین منبع برای اثبات قدرت خجندی‌ها ابن جبیر است. او یکی از افراد این خاندان را که حاکم اصفهان بوده، در مراسم حج دیده و نسبت به قدرت و مکتب او به شدت غبطه می‌خورد.

دوره دوم سلجوقی، عصر پس از نظام الملک و ملک‌شاه، دوران کشمکش و نزاع بر سر سلطنت بود و اوضاع آشفتته اصفهان را در پی داشت. اوضاع ناآرام و آشفتته اصفهان نیز باعث ترک این شهر توسط نخبگان شد. هم چون عمادالدین اصفهانی، مورخ مشهور تاریخ سلجوقیان که اصفهان را ترک کرد و به عراق و در نهایت شام رفت و به خدمت صلاح‌الدین ایوبی درآمد و کاتب او شد.

در دوره دوم حکومت سلجوقی، علاوه بر جنگ‌های داخلی بین شاهزادگان سلجوقی، در شهرها نیز نخبگان جدید و قدیم (حنفی‌ها و شافعی‌ها) مدام با هم در نزاع به سر می‌برند.

نخبگان جدید (خراسانی‌ها) برای غلبه بر رقبای خود با قدرت